مخالفت با عامه، مؤلفه دوم سید بحرالعلوم در اجزاء رویت قبل الزوال

(29:08)

تقریباً حرفهای سید در این رساله و بحثهای طلبگی را عرض کردیم. لذا الآن میخواهم یک مرور سریع روی صفحه پانزدهم داشته باشیم. جلسه بعد تنبیهات را بخوانیم. در کنار تنبیهات دو بحث دیگر را هم میخواهیم بررسی کنیم. یکی روایتی است که حضرت به کسی که در بغداد بود، فرمودند «لقد صمت بصیامنا» که این روایت را در اسألة حول مسالة رویة الهلال آورده بودند. بحث دیگر مسأله تشابه خسوف و کسوف نسبت به رویت هلال است. چطور است که شما میگویید وقتی یک جا هلال را دیدند میتوانید برای کل کره حرف بزنید، و حال آنکه همین امر در خسوف و کسوف معنا ندارد. با اینکه امر سماوی است اما افق در وجوب نماز آیات دخالت دارد. این هم چیزی است که آن را حواله دادهایم اما بحثش نکردهایم.

خب صفحه پانزدهم را نگاه کنید. بنابراین سید چهار مؤلفه در تأیید فرمایش خودشان داشتند. اول معارضه ای بود که روایت یقطینی را مرجوح قرار داده بود. دوم این بود که گفتند رویت قبل از زوال یک مرجح دارد که آن مخالفت با عامه است. چون عامه میگویند رویت قبل از زوال مجزی نیست. الا ابویوسف که او هم بعد از امام صادق علیهالسلام بود. سید در اینجا حرفهای خیلی خوبی زده اند. برخلاف جواهر که مقداری مسامحه در آن بود و فرموده بودند ابی ثور و ابو یوسف معاصر امام بودند. درحالیکه اینها معاصر امام نبودند. سید در اینجا بهخوبی این مطلب را فرمودند. سفیان ثوری هم ولو در سال شصت و یک وفات کرده اما او فقیه نیست و بلکه محدث است. و همچنین اینکه امام علیهالسلام در قبال ابوحنیفه و سائریّن و بلکه مشهور آنها تقیه نفرمودند اما از سفیان تقیه کند؟! لذا فرمودند «بعید جدا». روایتی هم که از امام باقر علیهالسلام بود که عده حضرت متقدم بود. بنابراین روایت حماد و روایت عبید از حیث محتوا و سند نزد سید خیلی قوی هستند و موجب ترتیب اثر حکم میشوند و از حیث تعارض ترجیح مییابند. حال مؤلفه شهرت را میفرمایند.

شاگرد: فرموده بودید که حدائق دقیقتر از مصابیح است.

استاد: نه. اینطور عرض کردم؛ در حدائق گفته بودند که یکی از دو روایت تقیه است. سید بحر العلوم فرموده بودند حتماً روایات عدم اجزاء مثل یقطینی تقیه است. ایشان تقیه را روشن میکنند. میگویند روایات حماد و ... چون مخالف آنها است تقیه نیست. پس روایات مقابل تقیه است. چون موید است به مخالفت با مشهور. عبارتشان این است: «و اعتضادها ... و مخالفتها للمشهور بين العامّة فتوى و رواية».

خب قبلاً از مخالفت کتاب بحث کردیم.

> **و العجب من بعض الفضلاء حيث جعل مخالفة العامّة من مرجّحات المشهور، و وه اشتباه نشأ من قلّة التتبّع لمذاهب العامّة، و كذا الترجيح بموافقة الكتاب، كما ذكره جماعة. فإنّ أقصر ما يدلّ عليه وه وجوب إكمال العدّة أو وجوب إتمام الصوم إلى الليل، و ال إشعار في شيء من ذلك باعتبار الرؤية قبل الزوال و ال عدمه.[1]**

«و كذا الترجيح بموافقة الكتاب»؛ قول مشهور بود كه آيه «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» [2] را گفته بودند. **«فإنّ أقصر ما يدلّ عليه»؛** ضمر «ه» به كتاب مى‌خورد. **«وه وجوب إكمال العدّة أو وجوب إتمام الصوم إلى الليل، و ال إشعار في شيء من ذلك باعتبار الرؤية قبل الزوال و ال عدمه».** چون قبلاً آيه‌ها را خود ايشان گفته بودند و مفصل بررسى شد مطلش نمى‌شويم.

شاگرد: «اقصر» درست است يا «اقصى»؟

استاد: بايد «اقصى» باشد. «اقصر» و «اقصى» ضد هم هستند. در اينجا «اقصى» مناسب است.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۵

[2] البقره ۱۸۵

بازبينى #2
ايجاد شده 7 فوريه 2026 13:28:21 توسط ... .
به روزرسانى شده 7 فوريه 2026 13:34:59 توسط ... .